



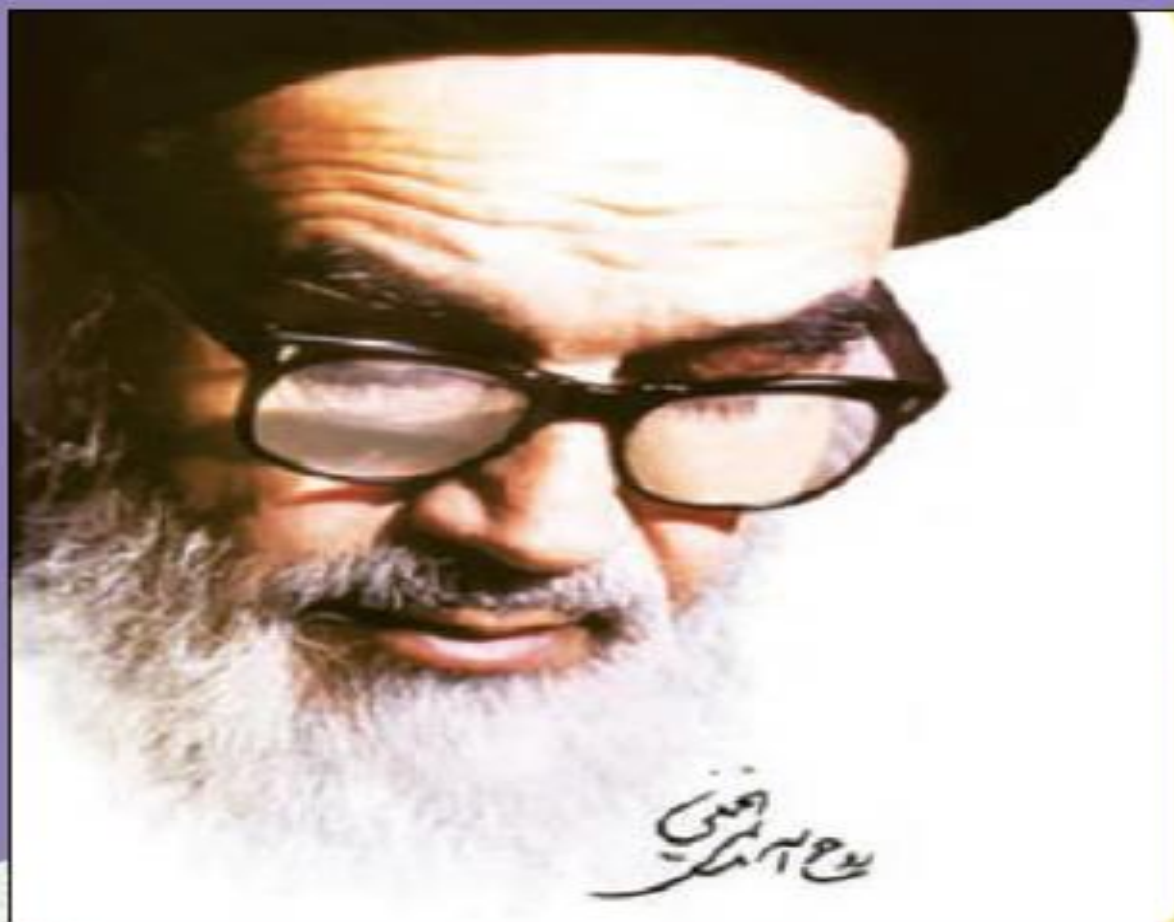
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

عربی، زبان قرآن

پایه هشتم

دوره اول متوسطه





قال الإمام الخميني (قُدس سرُّه): «اللُّغَةُ الْعَرَبِيَّةُ لُغَةُ الْإِسْلَامِ».

صحيفة امام خميني (قُدس سرُّه). جلد ١٦. صفحة ٢٢٧

١١	مُراجَعَةُ دُرُوسِ الصَّفِّ السَّابِعِ	الدَّرْسُ الْأَوَّلُ
٢٣	أَهَمِّيَّةُ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ	الدَّرْسُ الثَّانِي
٣٥	مِهْنَتُكَ فِي الْمُسْتَقْبَلِ	الدَّرْسُ الثَّالِثُ
٤٧	التَّجَرِبَةُ الْجَدِيدَةُ	الدَّرْسُ الرَّابِعُ
٦١	الصَّدَاقَةُ	الدَّرْسُ الْخَامِسُ
٧١	فِي السَّفَرِ	الدَّرْسُ السَّادِسُ
٨٥	﴿...أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ﴾	الدَّرْسُ السَّابِعُ
٩٧	الْإِعْتِمَادُ عَلَى النَّفْسِ	الدَّرْسُ الثَّامِنُ
١٠٩	السَّفَرَةُ الْعِلْمِيَّةُ	الدَّرْسُ التَّاسِعُ
١٢٧	الْمَرَاقِدُ الدِّينِيَّةُ	الدَّرْسُ الْعَاشِرُ

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ؛

أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ فِي الصَّفِّ الثَّامِنِ؛
كَيْفَ حَالُكُمْ؟





الدَّرْسُ الْخَامِسُ



- كَيْفَ حَالُكَ؟ - الْحَمْدُ لِلَّهِ؛ جَيِّدَةٌ وَكَيْفَ أَنْتِ؟



الدَّرْسُ الْخَامِسُ

الْمُعْجَم: واژه‌نامه (۲۵ کلمه جدید)

آمدید جاء: آمد جِئْنَا: آمدیم	جِئْتُمْ	دیدگان «مفرد: بَصَر»	أَبْصَار
گردش	جَوْلَة	آمد می‌آید	أَتَى يَأْتِي
دوست «جمع: أَحِبَّة و أَحِبَاء»	حَبِيب	یکی از	إِخْدَى
آزاد «جمع: أَحْرَار»	حُرّ	داناترین، داناتر	أَعْلَم
نگهداری کرد نگهداری می‌کند (نگهبانی داد نگهبانی می‌دهد)	حَرَسَ يَحْرُسُ	به خودشان «مفرد أَنْفُس: نَفْس» نَفْس: خود، همان نَفْسُ الْمَكَانِ: همان جا نَفْسِي: خودم	أَنْفُسَهُمْ
کنجینه‌ها «مفرد: خِزَانَة»	خَزَائِن		
اشک «جمع: دُمُوع»	دَمْع	البته	بِالتَّأَكِيدِ

ساحَة	حياط، ميدان	بَعْدَما	پس از اینکه
شَرِبَ يَشْرَبُ	نوشید می نوشد	بَقِيَ	ماند
عُصْفُور	گنجشک «جمع: عَصافير»	بِكُلِّ سُرُور	با کمالِ میل
مِصْبَاح	چراغ «جمع: مَصابيح»	تَصْرِيفُ النُّقُودِ	تبدیل پول «نقود: پول، پول‌ها»
مَكْتُوب	نوشته شده	اَلثَّالِثُ، اَلثَّالِثَةُ	سوم، سومین
مُهْمَةٌ إِدَارِيَّةٌ	مأموریت اداری	جَار	همسایه «جمع: جيران»

الصَّدَاقَةُ

«أُسْرِين» طالِبَةٌ فِي الصَّفِّ الثَّانِي الْمُتَوَسِّطِ. هِيَ جَاءَتْ مِنْ «سَنَدَج» إِلَى «طَهْرَان».
هِيَ طَالِبَةٌ جَدِيدَةٌ فِي الْمَدْرَسَةِ وَبَقِيَتْ مُدَّةَ أُسْبُوعَيْنِ وَحِيدَةٍ.
فِي الْأُسْبُوعِ الثَّالِثِ، فِي يَوْمِ السَّبْتِ جَاءَتْ إِلَيْهَا إِحْدَى زَمِيلَاتِهَا بِاسْمِ «آيَلَار» وَ
بَدَأَتْ بِالْحِوَارِ مَعَهَا فِي سَاحَةِ الْمَدْرَسَةِ.



الْحِوَارُ بَيْنَ الطَّالِبَتَيْنِ «آيلار» وَ «أَسْرين»

- كَيْفَ حَالُكَ؟
- أَلْحَمْدُ لِلَّهِ؛ جَيِّدَةٌ وَ كَيْفَ أَنْتِ؟
- أَنَا بِخَيْرٍ. مَا اسْمُكَ؟
- اسْمٌ جَمِيلٌ. مَا مَعْنَاهُ؟
- اسْمِي آيلار.
- «أَسْرين» بِالْكَرْدِيَّةِ بِمَعْنَى **الدَّمْع**. وَ مَا اسْمُكَ؟
- مَا مَعْنَى اسْمِكَ؟
- آيلار بِالْتُرْكِيَّةِ بِمَعْنَى الْأَقْمَارِ.
- اسْمٌ جَمِيلٌ جِدًّا وَ مَعْنَاهُ جَمِيلٌ أَيْضًا.
- مِنْ أَيِّ مَدِينَةٍ أَنْتِ؟
- أَنَا مِنْ سَنَدَج. أَ أَنْتِ مِنْ طَهْرَانِ؟
- لَا؛ أَنَا مِنْ تَبْرِيز وَ سَاكِنَةٌ هُنَا.
- فَأَنْتِ مِثْلِي أَيْضًا.
- لِمَاذَا جِئْتُمْ إِلَى طَهْرَانِ؟
- لِأَنَّ وَالِدِي فِي **مُهْمَةٍ إِدَارِيَّةٍ**.
- كَمْ سَنَةً مُهْمَةٌ وَالِدِكَ؟
- سَنَتَيْنِ.





- أَيْنَ بَيْتُكُمْ؟

- عَجَبًا! بَيْتُنَا فِي نَفْسِ الْمَكَانِ.

- نَعَمْ؛ بِالتَّأَكِيدِ؛ مَتَى جِئْتُمْ؟

- فَنَحْنُ جَارَتَانِ وَ زَمِيلَتَانِ.

- عَجِيبٌ. مَا مِهْنَةُ أَبِيكَ؟

- هَلْ تَأْتِينَ إِلَى بَيْتِنَا؟

- فِي سَاحَةِ خُرَاسَانَ.

- أَتَصَدُقِينَ؟!

- جِئْنَا قَبْلَ شَهْرٍ.

- فَكَيْفَ مَا رَأَيْتُكِ حَتَّى الْآنَ؟

- هُوَ مُهَنْدِسٌ.

- بِكُلِّ سُرُورٍ.

- مَتَى؟

- بَعْدَمَا يَسْمَحُ لِي وَالِدِي وَتَقْبَلُ وَالِدَتِي.

- وَهَلْ يَأْتِي أَبُوكِ؟ وَهَلْ تَأْتِي أُمُّكِ؟ - إِنْ شَاءَ اللَّهُ. سَأَسْأَلُهُمَا.

الْغَرِيبُ مَنْ لَيْسَ لَهُ حَبِيبٌ.

الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

الصَّدَاقَةُ : دوستی

اَسْرین: اسرین دانش آموزی در کلاس دوم
متوسطه است

هِيَ جَاءَتْ: او از سنج به تهران آمد.
هِيَ طَالِبَةٌ: او دانش آموزی جدید در مدرسه است.
وَبَقِيَتْ: و مدت دو هفته تنها ماند.

فِي الْأُسْبُوعِ: در هفته سوم در روز شنبه

جاءت: یکی از همکلاسیهایش به نام آیلار به
سویش آمد.

بدأت: و با او در حیات مدرسه شروع کرد به گفتگو
کردن.

الحوارُ بین: گفتگو میان دو دانش آموز به نام آیلار
و اسرین

کیف: حالت چطور است؟ شکر خدا خوبم تو
چطوری؟

أنا: من خوبم. اسمت چیست؟ اسم من اسرین است.

اسم: اسمی زیباست. معنایش چیست؟ اسرین به
کردی به معنای اشک است. و اسم تو چیست؟
اسمی: اسمم آیلار است. معنی اسم تو چیست؟
آیلار: آیلار به ترکی به معنی ماه ها است. اسمی
واقعا زیباست و معنایش هم همچنین زیباست.
من آیی: تو اهل کدام شهری؟ من اهل سنج
هستم. آیا تو اهل تهرانی؟
لا: نه من اهل تبریزم و ساکن اینجا هستم پس تو
هم همچنین مثل من هستی.

لَمَآذَا: چرا به تهران آمدید؟ برای اینکه پدرم در
مأموریت اداری است.

كَمْ: مأموریت پدرت چند سال است؟ دو سال

أَيْنَ: خانه شما کجاست؟ در میدان خراسان.

عَجَبًا: عجیب است خانه ما همانجاست. آیا راست
می گویی؟

نَعَمْ: بله البته. کی آمدید؟ یک ماه قبل.

فَنَحْنُ: پس ما دو همسایه و دو همکلاسی هستیم.

فَكَيْفَ: پس چطور تا آلان تو را ندیدم؟

عَجِيبُ: عجیب است. شغل پدرت چیست؟ او
مهندس است.

هَلْ: آیا به خانه ما می آیی؟ با کمال میل.

مَتَى: کی؟ بعد از آنکه پدرم به من اجازه بدهد و
مادرم قبول کند.

وَهَلْ: و آیا پدرت می آید؟ و آیا مادرت می آید؟
إِنْ شَاءَ اللَّهُ: اگر خدا بخواهد. از آندو خواهیم
پرسید.

الْغَرِيبُ: تنها کسی است که دوستی ندارد.

الْفِعْلُ الْمُضَارِعُ ← (يَفْعَلُ ، تَفْعَلُ ، نَفْعَلُ)



هَذِهِ الزَّرَافَةُ تَشْرَبُ الْمَاءَ.

این زرافه آب می نوشد.



هَذَا الْعُصْفُورُ يَشْرَبُ الْمَاءَ.

این گنجشک آب می نوشد.



نَحْنُ نَعْمَلُ فِي الْمُخْتَبَرِ.
ما در آزمایشگاه کار می کنیم.



نَحْنُ نَلْعَبُ كُرَةَ الْقَدَمِ.
ما فوتبال بازی می کنیم.

این درس درباره حرف (ما) بحث می کند.

حرف ما دارای دو معنا است:

۱- به معنای چه یا چیست است.

۲- فعل ماضی را منفی می کند.

اگر بخواهیم آیندو را از هم تشخیص بدهیم باید با توجه به جمله معنی کنیم تا بفهمیم کدام ما است.

مثال : ما کَتَبْتُ الدَّرْسَ. درس را نوشتم.

ما تِلْكَ يَمِينِكَ يَا مُوسَى.

آن چیست در دست راست ای موسی.

دو کاربرد برای حرفِ «ما»:

«ما» برای منقّی کردنِ فعلِ ماضی؛ مانند:

﴿مَا سَوَّغْنَا﴾: نشنیدیم الْمُؤْمِنُونَ: ۲۴

«ما» به معنای «چیست؟»؛ مانند:

﴿مَا تِلْكَ يَمِينُكَ يَا مُوسَى﴾ طه: ۱۷

ای موسی، آن چیست در دست راستت؟



اکنون این جمله‌ها را ترجمه کنید.

﴿مَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ﴾ هود: ۱۱

به آنها ظلم نکردیم اما به خودشان ستم کردند.

مَا ذَٰلِكَ الشَّيْءِ فِي يَدِكَ؟

آن چیز در دست تو چیست؟

أَسْعَارُ النُّقُودِ فِي الْعَتَبَاتِ الْمُقَدَّسَةِ

- أُرِيدُ تَصْرِيفَ نُقُودِي إِلَى الدِّينَارِ.

- كَيْفَ تَصْرِيفُ النُّقُودِ؟

- هَلِ الْأَسْعَارُ فِي كُلِّ السُّوقِ وَاحِدَةٌ؟

- جَوْلَهُ صَغِيرَةٌ فِي سَوْقِ الصَّرَافِينَ؛ ثُمَّ أَرْجِعْ.

بَعْدَ دَقَائِقَ

- رَجَعْتُ عِنْدَكَ يَا أَخِي.

- عِنْدِي تَومَان.

- أَهْلًا بِكَ، يَا زَائِرُ.

- الْأَسْعَارُ مَكْتُوبَةٌ عَلَى هَذِهِ اللَّوْحَةِ.

- بِالتَّأَكِيدِ، الْأَسْعَارُ ثَابِتَةٌ.

- لَا بَأْسَ؛ أَنْتَ حُرٌّ. أَنَا فِي خِدْمَةِ الزُّوَّارِ.

- أَنَا فِي خِدْمَتِكَ. مَاذَا عِنْدَكَ؟ يُوْرُو أَمْ تَومَان؟

- سَأَقُولُ لَكَ مِقْدَارَ التَّصْرِيفِ.



قیمت پولها در عتبات (شهرهای) مقدس

می خواهیم پولهایم را به دینار تبدیل کنم. خوش آمدی ای زائر
چطور پولها را تبدیل کنم؟ قیمتها روی تابلو نوشته شده است.
آیا قیمتها در همه بازار یکی است؟ البته قیمتها ثابت است

گردش کوچکی در بازار صرافها داریم و سپس برمی گردیم. عیبی ندارد تو آزادی من در خدمت زائرین هستم.

بعد از چند دقیقه
ای برادرم برگشتم نزد
تومان دارم
من در خدمت هستم. نزدت چیست؟ یورو یا تومان
مقدار تبدیل را به تو خواهیم گفت.

ففى
امان
الله